



عقاید خاصه شیعه

کرایش فقه و اصول

درس ۲۳

استاد: حجت الاسلام والمسلمین طبسی
آموزشیار: آقای کارگر

مقدمه:

در درس قبل گفتیم که برای عدالت همه صحابه، آیات و روایاتی را مطرح کرده اند؛ از جمله آیه ۱۴۳ سوره بقره. در این درس ابتدا استدلال به این آیه را بررسی می کنیم و سپس آیات دیگری را مطرح و استدلال به آنها را نقد می نماییم .

پس از بررسی آیات، دو روایت مورد استدلال (برای تعدیل جمیع صحابه) را ذکر کرده و میزان حجیت آنها را بیان می نماییم .

بررسی آیه «جعناکم امة وسطا»

در درس قبل گفتیم که آیه ۱۴۳ سوره بقره را دلیل بر عدالت جمیع صحابه دانستند؛ سپس بیان نمودیم که این استدلال مقبول نیست به چند جهت :

۱. آیه، شامل عدول مومنین (چه صحابه و چه نسل های بعدی) است .
 ۲. آیاتی از قرآن (مثل ان جاءکم فاسق بنبا...) ^۱، روایاتی از پیامبر صلی اله علیه و آله (مثل طرد برخی از صحابه در قیامت از حوض پیامبر و ورود در آتش) و نمونه هایی از تاریخ (مثل آدم کشی، غارت و شرب خمر)، دلالت واضحی بر عدم عدالت بعضی از اصحاب پیامبر دارد. موارد زیادی را در درسهای قبل بیان کردیم و در این درس نیز روایتی از پیامبر نقل می کنیم دال بر اینکه صرف صحابی بودن، باعث نجات و مایه عدالت نیست .
 در موطأ مالک آمده است که اصحاب از پیامبر پرسیدند : آیا ما برادران شما نیستیم؟ پیامبر (ص) فرمود: نمی دانم که پس از من چه کار خواهید کرد. (یعنی اگر مؤمن و بر راه حق باشید برادران من هستید و گرنه صرف همراهی با من، برای شما شأنی نیستی ایجاد نمی کند).

این حدیث دلالت روشنی دارد بر اینکه صحابه نیز، همانند سایر مردم، بر سفره اعمال خود می نشینند و عدالت و فسق، هدایت و ضلالت، سعادت و شقاوت و اهل بهشت یا دوزخ بودن همه انسانها، بستگی به میزان پای بندی به فرامین الهی دارد .

۳. با استفاده از روایات، معلوم می شود که قرار است پیامبر صلی الله علیه و آله به نفع نوح علیه السلام (و سایر پیامبران علیهم السلام) شهادت دهد . در این قضیه، گروهی از مسلمین نیز در کنار ایشان حضور دارند و شهادت می دهند.

با کمی دقت در اهمیت آن دادگاه، افراد طالب شهادت و نیز اقامه شهادت توسط نبی مکرم اسلام، می توان دریافت که همراهان پیامبر اکرم در اقامه شهادت، باید انسانهای برگزیده و ویژه ای باشند تا شهادتشان در کنار پیامبر اسلام و به نفع انبیای الهی، موجه باشد؛ نمی توان گفت که هر فاسق فاجر شارب الخمری که مرتکب قتل و غارت و زنا می شده در کنار محمد مصطفی صلی اله علیه و آله می ایستد و به نفع نوح و ابراهیم و یوسف و اسماعیل شهادت می دهد!

در کتب روایی شیعه آمده است که آن گروه برگزیده و همراه پیامبر، معصومین علیهم السلام هستند. ^۲

آیه «کنتم خیر امة»

خداوند در سوره آل عمران می فرماید: «کنتم خیر امة اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تومنون بالله ...» ^۳ یعنی : شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده اید : به کار پسندیده فرمان می دهید، و از کار ناپسند باز می دارید، و به خدا ایمان دارید ... ^۱.

^۱ حجات ۶۷

^۲ کافی، ج ۱، ص ۱۹۱ .

^۳ آل عمران / ۱۱۰

پیروان مکتب خلفا ادعا می‌کنند که مخاطب آیه، صحابه هستند و این آیه دلالت دارد که صحابه، بهترین انسانها هستند.

بررسی استدلال

این استدلال مخدوش است، چون:

اولاً: آیه فوق مختص به صحابه نیست؛ چرا که در صدد مقایسه «امتها» می‌باشد و «امت اسلام» را بهترین معرفی می‌کند. پس اگر صحابه داخل این آیه باشند بخاطر صدق عنوان «امت اسلام» بر آنهاست نه بخاطر عنوان صحابی.

ثانیاً: خود همین آیه، علت برگزیدگی امت اسلام را ذکر کرده است. علت برتری مسلمین، «امر به معروف»، «نهی از منکر» و «ایمان به خدا» می‌باشد. کسانی که امر به معروف، ناهی از منکر، عامل به معروف و تارک منکر باشند در دایره امت اسلام قرار گرفته و از برگزیدگان خواهند بود (خواه صحابی باشند یا نباشند) و اگر کسی متصف به این اوصاف نبود، از این آیه خارج است (چه صحابی باشد و چه نباشد).

با توجه به اعمال و رفتار گروهی از صحابه (که نمونه های زیادی را ذکر کردیم)، صدق این اوصاف بر آنها، چیزی شبیه طنز می‌باشد که هر عزاداری را به خنده وا می‌دارد!

آیه «السابقون الاولون ... رضی الله عنهم...»

خدای متعال می‌فرماید: «وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»^۱

ترجمه: و پیشگامان نخستین از مهاجران و انصار، و کسانی که با نیکوکاری از آنها پیروی کردند، خدا از ایشان خشنود و آنان [نیز] از او خشنودند، و برای آنان باغهایی آماده کرده که از زیر [درختان] آن نهرها روان است. همیشه در آن جاودانه‌اند. این است همان کامیابی بزرگ^۲.

عده‌ای این آیه را به عنوان دلیل بر عدالت جمیع صحابه آورده‌اند.

بررسی دلالت آیه

اولاً: شما مدعی عدالت همه صحابه هستید در حالیکه قسمت اول آیه فقط «پیشگامان از مهاجرین انصار» را ذکر کرده است. قسمت بعدی آیه نیز تبعیت و پیروی نیکو را قید کرده و مطلق نیست. پس: دلیل، اخص از مدعاست.

ثانیاً: این آیه سبقت در ایمان و هجرت و نصرت و نیز پیروی در نیکی را تمجید کرده است و عاملین آن را مورد رضایت الهی می‌شمارد و این ارتباطی به تعدیل مطلق و صحت همه اعمال ایشان ندارد.

^۱ ترجمه از آقای فولادوند.

^۲ توبه ۱۰۰/

^۳ ترجمه از آقای فولادوند

ثالثاً: با توجه به آیات دیگر قرآن، رضایت الهی از این گروه، منوط به سایر اعمالشان است. یعنی سبقت در ایمان و هجرت و نصرت، موجب رضایت الهی است مشروط بر اینکه سایر اعمالشان، این نقاط مثبت را بی اثر نسازد؛^۱ چرا که خداوند در قرآن کریم فرموده است: «فان الله لا يرضى عن القوم الفاسقين»^۲ به علاوه خداوند رضایت خود از تابعین را مقید به احسان آنها کرده است^۳ و کار را بر آنها سخت گرفته است پس باید به طریق اولی، تکلیف صحابه را سنگین نماید و از آنها احسان و نیکوکاری را بطلبد.^۴

آیه «محمد رسول الله و الذين معه اشداء على الكفار ...»

محمد رسول الله و الذين معه اشداء على الكفار رحماء بينهم تراهم ركعاً سجداً يبتغون فضلاً من الله و رضواناً سيماهم في وجوههم من اثر السجود ذلك مثلهم في التوراة و مثلهم في الإنجيل كزرع اخرج شطاه فأزره فاستغلظ فاستوى على سوقه يعجب الزراع ليغيظ بهم الكفار و عد الله الذين آمنوا و عملوا الصالحات منهم مغفرة و أجراً عظيماً.^۵

ترجمه:

محمد (ص) فرستاده خداست و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند پیوسته آنها را در حال رکوع و سجود می بینی در حالی که همواره فضل خدا و رضای او را می طلبند نشانه آنها در صورتشان از اثر سجده نمایان است این توصیف آنان در تورات و توصیف آنان در انجیل است، همانند زراعتی که جوانه های خود را خارج ساخته، سپس به تقویت آن پرداخته تا محکم شده و بر پای خود ایستاده است و بقدری نمو و رشد کرده که زارعان را به شگفتی و می دارد این برای آن است که کافران را به خشم آورد (ولی) کسانی که از آنها را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، خداوند وعده آمرزش و اجر عظیمی داده است.^۶

به این آیه استدلال کرده و گفته اند: از طرفی می بینیم که در این آیه گروهی مورد تمجید و مدح از سوی پروردگار قرار گرفته اند؛ مدحی بلیغ که گویای شأن عظیم آنهاست.

از طرف دیگر خداوند در معرفی این گروه می گوید که این گروه همراهان پیامبر هستند^۷ که همان صحابه می باشند.

^۱ شواهد فراوانی بر اعمال خلاف و موجب فسق از صحابه نقل شده است که در درس های قبل تعدادی را مطالعه کردید.

^۲ توبه ۹۶/

^۳ و الذين اتبعوهم باحسان (توبه/۱۰۰)

^۴ علت این اولویت آن است که:

تابعین، پیامبر را ندیده اند، کرامات و معجزات و چهره معصوم و اعمال و رفتار نمونه اش را مشاهده نکرده اند؛ در عین حال، به صرف شنیدن اوصافش چنان شیفته شده اند که ایمان آورده اند؛ اما صحابه در کنار پیامبر بودند، کراماتش را دیدند، صوت قرآنش را شنیدند و از محضر مبارکش بهره ها بردند.

چگونه ممکن است خداوند رضایت خود از تابعین را مقید به نیکوکاری کند و صرف ادعای ایمان را نپذیرد اما از صحابه، به محض ادعای ایمان، راضی گردد و هیچ تکلیف زایدی از آنها نخواهد؟!

^۵ فتح / ۲۹

^۶ ترجمه از آیت الله مکارم شیرازی

^۷ «الذين معه»

پس این آیه مقام رفیعی را برای صحابه قرار داده که عدالت ایشان را به اثبات می‌رساند.

بررسی استدلال

مراد از «معیت» و همراهی، معیت فیزیکی و جسمانی نیست بلکه همراهی در عمل و تبعیت از آنحضرت می‌باشد. شاهد این مدعا آن است که این آیه در مقام تمجید است و تمجید از فساقی که در بین صحابه بوده‌اند شایسته نیست؛ خداوند خطاب به همه مومنین (و از جمله صحابه) می‌فرماید «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و کونوا مع الصادقین»^۱ که حتی طبق تفاسیر اهل سنت (مثل الدر المنثور) احادیثی ذیل این آیه هست که دلالت دارد بر دو دستگی اصحاب و تقسیم آنها به کاذب و صادق.

به علاوه ادله متقن دال بر فسق گروهی از صحابه، اجازه نمی‌دهد که مراد این آیه را همه صحابه بدانیم لذا انتهای آیه - که می‌فرماید: «وعد الله الذین آمنوا و عملوا الصالحات منهم مغفرة و اجرا عظیماً» - را قرینه ای می‌دانیم بر مراد از صدر آیه و می‌گوییم: منظور، تمجید از مسلمین عادل (حتی عادل هایی که صحابه نبوده اند) می‌باشد و شامل فساق (حتی صحابه فاسق) نمی‌شود.

آیه «لقد رضی الله عن المومنین اذ یبایعونک...»

آیه ۱۸ سوره فتح می‌فرماید: «لقد رضی الله عن المؤمنین اذ یبایعونک تحت الشجرة فعلم ما فی قلوبهم فانزل السکینه علیهم و ااثبهم فتحاً قریباً»

ترجمه: خداوند از مؤمنان - هنگامی که در زیر آن درخت با تو بیعت کردند - راضی و خشنود شد خدا آنچه را در درون دل‌هایشان (از ایمان و صداقت) نهفته بود می‌دانست از این رو آرامش را بر دل‌هایشان نازل کرد و پیروزی نزدیکی بعنوان پاداش نصیب آنها فرمود.^۲

به این آیه استدلال کرده اند و گفته اند خداوند از اصحاب راضی شده و این رضایت الهی، دال بر عدالت آنهاست.

بررسی استدلال

اولاً: این آیه می‌فرماید خداوند از بیعت کنندگان مومن، راضی است؛ نه اینکه از همه بیعت کنندگان راضی است! پس کسانی که ایمان ندارند اصلاً مشمول این آیه نمی‌شوند.

ثانیاً: این آیه در جریان صلح حدیبیه نازل شد و رضایت الهی از مومنین آن زمان را خبر داد لذا کسانی که بعداً ایمان آوردند - مثل معاویه، ابوسفیان و همه کسانی که در فتح مکه مسلمان شدند - از اساس مورد نظر این آیه نیستند در حالی که مستدل، در صدد اثبات عدالت همگی صحابه است.

ثالثاً: حتی در مورد بیعت کنندگان مومن در زمان صلح حدیبیه، ادعای رضایت مطلق، صحیح نیست؛ چرا که رضایت الهی منوط به شایستگی اعمال و رفتار انسان است و چه بسا رضایت فعلی الهی، در آینده (به خاطر اعمال فاسد) از بین برود. خداوند می‌فرماید: «فان الله لا یرضی عن القوم الفاسقین»^۳

^۱ توبه / ۱۱۹

^۲ ترجمه از آیت الله مکارم شیرازی.

^۳ توبه / ۹۶

رابعاً: کسانی از بیعت کنندگان در بیعت رضوان، مثل عبدالرحمان بن عدیس، در جریان قتل عثمان نقش مهمی داشتند و همین امر باعث شده که علمای اهل سنت ایشان را (در ضمن سایر قاتلین عثمان) سرزنش کرده و مورد لعن و نفرین قرار دهند.

نتیجه گیری

آیاتی که برای اثبات عدالت جمیع صحابه، مطرح شده است، دلالتی بر مدعای مذکور ندارد.

روایات

علمای پیرو مکتب خلفا، جهت اثبات عدالت جمیع صحابه، روایاتی از پیامبر اسلام صلی اله علیه و آله نقل کرده اند که دو حدیث را در اینجا ذکر کرده و بررسی می نماییم.

روایت اول: صحابه، ستارگان آسمان هدایت

ادعا شده که پیامبر (ص) فرمود: اصحابی کالنجوم بایهم اقتدیتم اهتدیتم.^۱ یعنی اصحاب من همانند ستارگان هستند، به هر کدامشان که اقتدا کنید (و از هر کدامشان که پیروی کنید) هدایت می یابید. سپس گفته اند به واسطه این روایت، عدالت جمیع صحابه ثابت می شود.

بررسی استدلال

حدیث مذکور، هم از نظر سند و هم از نظر متن، مشکل داشته و غیر قابل استناد است: (الف) مشکل سندی:

علمای اهل سنت، در سند این حدیث اشکال دارند و حتی برخی تصریح به جعلی بودن آن می کنند، به موارد ذیل توجه بفرمایید:

- ابن قیم جوزی، سه طریق برای این حدیث را نقل و بررسی می کند و هر سه را غیر ثابت و غیر قابل اتکاء می داند.^۲

- ابن عبدالبر، از قول بزار (که از محدثین اهل سنت است)، می گوید: صدور روایت اصحابی کالنجوم، که به پیامبر نسبت می دهند، از پیامبر صحیح نیست.

- ذهبی در احوالات جعفر بن عبد الواحد (که از روات این حدیث است) می نویسد: ^۳ دارقطنی (از علمای اهل تسنن)، او را «جاعل حدیث» می داند (یعنی جعل حدیث می کرده است)؛ ابوزرعه نیز او را وضاع و جعل کننده حدیث معرفی می کند و می افزاید: او احادیثی وضع کرده است که هیچ پایه و اساسی ندارد از جمله حدیث جعلی «اصحابی کالنجوم من اقتدی بشیء منها اهتدی».

^۱ مستصفی، ج ۲، ص ۱۵۷

^۲ اعلام الموقعین، ج ۲، ص ۲۴۲

^۳ ذهبی در جلد اول میزان الاعتدال آورده است:

جعفر بن عبد الواحد الهاشمی القاضی. قال الدار قطنی: يضع الحديث. و قال أبو زرعة: روی أحادیث لا أصل لها. و قال ابن عدی: يسرق الحديث و يأتي بالمناكير عن الثقات.

ب) مشکل متنی و محتوایی :

روایاتی که از معصوم (مثل پیامبر صلی الله علیه و آله) نقل می شود نباید از نظر محتوایی واضح البطلان و غیر قابل استفاده باشد؛ در حالیکه روایت مجعول «اصحابی کالنجوم» چنین مشکل مهمی دارد .

وجود اختلافات شدید و حرکت‌های کاملاً متناقض در میان صحابه پیامبر، امری غیر قابل انکار است . سوال این است که ما به کدامشان اقتدا کنیم؟ آیا پیامبر فرموده که به هر کدام از این دو فعل متناقض، عمل کنید فرقی ندارد و حتماً رستگار می‌شوید؟! چند نمونه از رفتارهای متناقض صحابه عبارت است از :

- گروهی محبّ علی علیه السلام و گروهی مبغض او بودند؛ گروهی او را مدح می‌کردند و گروهی سب؛ گروهی با او می‌جنگیدند و در صدد قتل او بودند اما گروهی از او دفاع می‌کردند تا جان‌ش را نجات دهند .

- گروهی دشمن سر سخت عثمان شدند و او را به قتل رساندند ولی گروهی از قتل او ناراضی بوده و درصدد انتقام بر آمدند و گروه کثیری از مسلمین را در راه انتقام گیری به کشتن دادند .

- گروهی از صحابه شرب خمر کردند و گروهی آنها را شلاق زدند .

- گروهی از اصحاب پیامبر، از جهاد همراه آنحضرت شانه خالی می‌کردند ولی عده ای به سادگی و با رضایت کامل جان خود را فدا می‌کردند .

- گروهی از صحابه، صحابه دیگر را لعن می‌کردند و دشنام می‌دادند .

نمونه های بسیار زیادی از این قبیل وجود دارد که میان صحابه اعمال بسیار متفاوت و کاملاً مخالف رواج داشته است. آیا پیامبر همگی را اهل نجات می‌داند؟ آیا ما می‌توانیم با پیروی از ولید ، شراب بنوشیم؟ آیا می‌توان به پیروی از عبدالله بن ابی به همسران پیامبر تهمت ناروا زد؟ آیا علمای اهل سنت به ما اجازه می‌دهند که با اقتدا به معاویه، صحابه پیامبر را به لعن و نفرین و ناسزا بگیریم؟ آیا مجازیم همانند سپاه اسلام در جنگ احد، پشت به پیامبر کرده و جان مبارکش را به تیغ دشمن بسپاریم و به ندای او هیچ توجهی نکنیم؟

مسئله‌ای نمی‌توان پذیرفت که پیروی از تک تک صحابه مایه نجات باشد و این نکته مهمی است که استناد به روایت «اصحابی کالنجوم» را بی اعتبار می‌سازد .

روایت دوم : معاصرین پیامبر، بهترین مردم

از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است : «خیر امتی قرنی ثم الذین یلونهم ثم الذین یلونهم»^۱ یعنی بهترین مسلمانان، کسانی هستند که در «قرن» من هستند و کسانی که در دو قرن بعدی زندگی می‌کنند .
با توجه به معنای لغوی قرن،^۲ پیامبر اکرم ، مسلمانانی که تا حداقل ۶۰ سال پس از آنحضرت زندگی خواهند کرد را تمجید می‌نماید و بهترین مسلمین می‌نامد .

^۱ حدیثی اسحاق، حدیثا النضر، خبرنا شعبه، عن ابی جرمة، سمعت زهدم بن مضرب، سمعت عمران بن حصین - رضی الله عنهما - یقول قال رسول الله صلی علیه و سلم خیر امتی قرنی ثم الذین یلونهم ثم الذین یلونهم ... (صحیح البخاری ، کتاب فضائل الصحابة، باب فضائل اصحاب النبی صلی الله و علیه و سلم)

^۲ ابن منظور در لسان العرب می‌نویسد :

این روایت با سه مطلب ناسازگار است :

الف) در همان سالهای آغازین، برخی از مسلمین جنایات بزرگی مرتکب شدند که بقاء آنها در فهرست مسلمین را با شبهه مواجه می‌کند چه برسد به اینکه بهترین مسلمانان باشند، به نمونه های زیر توجه کنید :

به شهادت رساندن علی علیه السلام ، به قتل رساندن خلفا (عمر و عثمان) ، جنایات یزید در کربلا، حمله به مدینه و فجایع بزرگ و تجاوز به نوامیس مسلمانان و ...

یکی از صفحات تاریک تاریخ مربوط به عصر ولید بن عبدالملک^۱ است که قرآن را هدف تیرهایش قرار داد و آنقدر تیراندازی کرد تا قرآن پاره پاره کرد! سپس این شعر کفر آلود را خواند :

«اذا ما جئت ربك يوم حشر
فقل يا ربّ مزقني الوليد»

یعنی در روز قیامت به خدایت شکایت کن که ولید مرا پاره کرد !

ب) این روایت با چند روایت دیگر در تعارض است به گونه ای که نمی توان از آن برتری صحابه را کشف کرد .

- پیامبر فرمود : طوبی لمن آمن بی و رآنی مرة؛ و طوبی لمن آمن بی و لم یرنی سبع مرات.

- یکی از صحابه می گوید : از پیامبر پرسیدم : آیا کسی بهتر از ما (که به تو ایمان آورده و همراهت جهاد می نمایم) هست؟

پیامبر پاسخ دادند : بله، کسانی بهتر از شما، بعد از شما خواهند آمد که مرا ندیده و به من ایمان دارند .

ج) از آیات قرآن بر می آید که ملاک اعتبار، پیروی از پیامبر و عمل به فرمایشات آنحضرت است و هر کس در این راه گام بردارد معتبر است و گر نه ارزش خاصی ندارد :

- «قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله»^۲

- «با نساء النبی من یأت منکن بفاحشة مبینة یضاعف لها العذاب ضعفین»^۳

نتیجه گیری

نمی توان با استناد به امثال این روایات، شأن خاصی را برای صحابه در نظر گرفت .

القرن فی قوم نوح : علی مقدار أعمارهم و قبل : القرن أربعون سنة ... و قبل : القرن مائة سنة، و جمعه قرون ... و القرن من الناس: أهل زمان واحد .

ابن الاعرابی : القرن الوقت من الزمان یقال هو أربعون سنة، و قالوا : هو ثمانون سنة، و قالوا: مائة سنة .

قال أبو اسحق : القرن ثمانون سنة، و قبل : سبعون سنة، و قبل : هو مطلق من الزمان ... طریحی در مجمع البحرین می گوید :

القرن : أهل زمان واحد ... و قبل : هو مدة أغلب اعمار الناس و هو سبعون سنة، و قبل ثمانون. و قبل ثلاثون سنة ...

با توجه به اقوال لغویین، کمترین مدتی که برای قرن نقل شده است سی سال است

^۱ ولید بن عبدالملک متولد سال ۵۰ هـ.ق. است .

^۲ آل عمران ۳۱/

^۳ احزاب ۳۰ /

چکیده

۱. نمی‌توان از آیه ۱۴۳ سوره بقره بر عدالت تمام صحابه استدلال کرد زیرا :
اولاً : با توجه به احادیث منقول از پیامبر اسلام (ص) مبنی بر اینکه در آینده افرادی می‌آیند که از صحابه برترند، چگونه می‌توان مصداق این آیه را منحصر در صحابه دانست .
ثانیاً : به شهادت قرآن و روایات و تاریخ، بعضی اصحاب پیامبر مرتکب فسق و اعمال خلاف عدالت شده‌اند .
ثالثاً : کسانی لیاقت شهادت دادن در کنار پیامبر درباره اعمال پیامبران و امتهای آنها را دارند که سنخیتی با پیامبران داشته باشند و اینها کسی جز معصومین نمی‌توانند باشند .
۲. آیه دیگر که از آن عدالت صحابه را استنباط کرده اند آیه ۱۱۰ سوره آل عمران است .
در پاسخ به استدلال به این آیه می‌گوییم : در آیه شریفه کسانی بهترین امت نامیده شده‌اند که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و ایمان به خدا دارند و این مطلب اختصاصی به صحابه ندارد .
۳. آیه دیگری که عدالت صحابه را از آن استفاده کرده اند آیه ۱۰۰ سوره توبه می‌باشد .
درباره استدلال به این آیه می‌گوییم :
اولاً: آیه تنها سابقین از مهاجرین و انصار را شامل می‌شود نه همه صحابه را.
ثانیاً : خداوند یقیناً از افراد فاسق راضی نیست و آنها از دایره شمول آیه خارجند .
ثالثاً : رضایت خداوند از این افراد مشروط به این است که تا آخر عمر بر کارهای خوبشان ثابت قدم باشند .
۴. فائیلین به عدالت صحابه به آیات دیگری نیز استدلال کرده اند که تمام استدلالهای آنان نادرست بوده و قابل خدشه می‌باشد .
۵. جهت اثبات عدالت همه صحابه، روایاتی را مطرح کرده اند که به دو روایت اشاره می‌کنیم :
الف) اصحابی کالنجوم بایهم اقتدیتم اهتدیتم .
اشکال : اولاً : سند این روایت ضعیف است (طبق نظر علمای اهل سنت)
ثانیا : بین اصحاب پیامبر، رفتارهای متناقضی رایج بوده است . آیا هر دو عمل ما را به سعادت می‌رساند (هم قتل خلیفه و هم خونخواهی از قاتل، هم سب امیر المومنین علیه السلام و هم محبت او)؟!
ب) خیر امتی قرنی ثم الذین یلونهم ثم الذین یلونهم .
اشکال : اولاً: بروز فجایع بزرگی بدست مسلمین اولیه (مثل قتل امام حسین علیه السلام) .
ثانیا : تعارض با احادیثی مبنی بر اینکه مسلمین بعدی بهتر از صحابه هستند .
ثالثاً: آیات قرآن دال بر این است که بهترین ها کسانی اند که تابع پیامبر و اوامر او باشند .